

مبانی و ابعاد حق بر حریم خصوصی در روابط خانوادگی

دکتر امیر مقامی^۱
نادیا عطاران^۲

چکیده

حریم خصوصی در میان زوجین یکی از حقوقی است که عده‌ای آن را انکار می‌کنند و عده‌ای خود را مدافع سرسخت آن اعلام می‌کنند. باین حال، در اسناد حقوق بشر حتی زن و شوهر هم در روابط خود از حق حریم خصوصی که لازمه حفظ کرامت انسانی آنهاست بهره‌مند هستند، اما کیفیت و کمیت این حق در درون خانواده متفاوت از دیگر نهادها می‌باشد. دولت‌ها نیز در جهت اهداف سیاسی خود گاه حریم خصوصی زندگی شهروندان خود را مورد تعرض قرار می‌دهند. سیاست‌هایی نظیر افزایش یا کاهش جمعیت، می‌تواند حق حریم خصوصی شهروندان را در معرض خطر قرار دهد و در نظام حقوقی بیشتر کشورهای جهان، قانون‌گذاری در زمینه حمایت از حق حریم خصوصی در خانواده با کم‌توجهی روبه‌رو بوده است. بعضی کشورها تنها نقض این حق را مورد جرم‌انگاری قرار داده‌اند و در جهت حمایت مؤثر از آن گام دیگری برنداشته‌اند. امروزه که گسترش فناوری و ابزارهای ارتباطی دایره حق حریم خصوصی را بسیار تنگ کرده است، دخالت مثبت دولت‌ها در جهت قانون‌گذاری و اقدام‌های اجرایی برای تضمین حقوق شهروندان در خانواده، از اهمیت بسیار والایی برخوردار می‌باشد.

واژگان کلیدی

حریم خصوصی، خانواده، لیبرالیسم، فمینیسم، حقوق بشر.

۱- دکتری حقوق بین‌الملل، استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان

a.maghami@ase.ui.ac.ir
mehrayeren1974@yahoo.com

۲- کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل

مقدمه

آرامش هر انسانی در این است که تا در شرایطی از ارتباط با دیگران در امان باشد و به دور از قضاوت‌ها و پیش‌داوری‌های دیگران، آن‌گونه که می‌پسندد زندگی کند. حریم خصوصی در زندگی خانوادگی از آزادی و استقلال فرد در برابر هم‌نوعان خود و دولت حمایت می‌کند. حریم خصوصی به مفهوم محدودیت دسترسی دیگران به جسم یا افکار و احساسات یک فرد است. انسان از یک‌طرف استقلال فردی دارد و از طرف‌دیگر با توجه به اینکه در جامعه و در ارتباط با دیگران زندگی می‌کند موجودی اجتماعی است.

حریم خصوصی مفهومی زاده نوگرایی و تجدیدنظر در روابط انسانی از یک‌طرف و مقاومت در برابر رفتارهای قدرت‌مدارانه حکومت از طرف‌دیگر است. بشر این حق را دارد که بدون دخالت عوامل خارجی از جمله دولت، از روابط خانوادگی خود، بدون هیچ‌گونه دخالت دیگران لذت ببرد. حریم خصوصی با کرامت انسانی ارتباط تنگاتنگ دارد. به‌همین دلیل، حق حریم خصوصی یکی از مصادیق مهم حقوق بشر شناخته می‌شود که در بسیاری از اسناد بین‌المللی راجع به حقوق بشر نظیر اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)^۱، کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین (۱۹۵۰)^۲، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)^۳، اعلامیه اسلامی حقوق بشر (۱۹۹۰)^۴ و بیانیه تهران (۱۹۶۸)^۵ به غیرقابل تعرض بودن آن اشاره شده است. آنچه در این رابطه برای این مقاله اهمیت دارد، تعیین معیارهایی است که به‌واسطه آنها بتوان مرزهای این حق را به‌طور دقیق ترسیم کرد تا ضمن امکان دفاع همه‌جانبه چنین حقی، مانع از بین رفتن سایر حقوق و تکالیف شد.

1. Universal Declaration of Human Rights 1948

2. Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms 1950

3. International Covenant on Civil and Political Rights

4. Universal Islamic declaration of human right 19 september 1981

۵. اعلامیه کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر تهران، مصوب ۱۹۶۸.

خانواده واحد بنیادینی است که از دو جنبه دارای اهمیت است، نخست؛ از جهت نوع ارتباطات درونی اعضا و دیگر از بابت ارتباطی که با حوزه عمومی برقرار کرده و خدماتی که به آن ارائه می‌کند. این ارتباط باید به‌گونه‌ای متقابل میان جامعه و خانواده جاری باشد تا هر دو در عین حمایت از یکدیگر در مرزهای تعریف شده دیگری ورود نکنند؛ زیرا حیات جامعه به حیات خانواده بستگی دارد و حیات خانواده نیز به‌تصور صحیح جامعه از ماهیت و ویژگی‌های خانواده مرتبط است (اسدی، ۱۳۹۲).

هنجارهای حقوق بشر بر حق هرکس برای ازدواج و تشکیل خانواده صراحت دارد ولی تقریباً همه دولت‌ها از همان آغاز با وضع مقررات ازدواج و تعریف انواع شکل‌های ناپذیرفتنی ازدواج و هزینه‌های اجتماعی و سیاسی ازدواج‌ها، حصول یک زندگی خانوادگی را، که قانوناً به تصویب رسیده است با مانع روبرو می‌سازند. به‌علاوه دولت‌ها از راه‌های گوناگون، در امور مرتبط با آزادی زادوولد، منجمله دسترسی به امکانات جلوگیری از بارداری یا سقط جنین، یا تلقیح مصنوعی و از طریق مشوق‌های اقتصادی، برای بچه‌دار شدن یا جلوگیری از بچه‌دار شدن به وضع قانون می‌پردازند (Mertus, 1995, p.136).

به‌طورکلی نمی‌توان تعریف مشخصی از خانواده ارائه کرد که مورد پذیرش همه جوامع بشری باشد. به‌همین دلیل دیوان اروپایی حقوق بشر نیز بر اساس معیارهای واقعی و عینی عمل می‌کند. آنچه برای دیوان اهمیت دارد روابط شخصی تنگاتنگ است، اما چه روابطی را می‌توان مصداق زندگی خانوادگی دانست؟

۱- رابطه میان فرزندان، پدربزرگ و مادربزرگ، در صورتی که این افراد در زندگی این فرزندان نقش قابل توجهی داشته باشند^۱؛

۲- روابط خواهران و برادران^۲؛

۳- روابط میان عمو، دایی، خاله و عمه با برادرزاده یا خواهرزاده‌اش مصداق رابطه‌ای خانوادگی است، البته این امر مشروط به آن است که دلایل قوی مبنی بر بودن روابط تنگاتنگ میان آنها وجود داشته باشد^۳؛

1. ECHR Marckx v. Belgium, judgment of 13 June 1979, para.45

2. ECHR Olsson v. Sweden, judgment of 24 March 1988

3. ECHR Appl. No. 16580/90, Boyle v. the United Kingdom, Comm. Rep., 9 Feb. 1993

۴- همچنین رابطه خانوادگی می‌تواند میان والدین و فرزندان نامشروع آنها نیز وجود داشته باشد، به‌ویژه هنگامی که پدر و مادر به‌وجود این رابطه اعتراف می‌کنند و فرزندان یاد شده را به‌عنوان فرزندان خود می‌پذیرند و درعین حال روابط تنگاتنگی با آنها دارند؛^۱

۵- رابطه میان والدین و فرزندخواندگان نیز داخل در رابطه خانوادگی است.^۲ دیوان در مواردی نیز روابط زن و مرد در خارج از ازدواج را نیز داخل در زندگی خانوادگی دانسته است (Kilkelly, 2003, p.18).

مراد از حریم خصوصی در مناسبات خانوادگی قلمرو محدودی از عقاید و احساسات، اعمال و رفتار و ویژگی‌های هر عضو خانواده است که برای دیگر اعضا آشکار نبوده، یا در صورت آشکار بودن، او رضایت به آن ندارد و نسبت به ورود و نظارت دیگر اعضا واکنش نشان می‌دهد (نقیبی، ۱۳۸۹). حدود و ثغور حق حریم خصوصی درون نهاد خانواده و اینکه دولت‌ها تا چه اندازه حق دخالت در حریم خصوصی خانوادگی افراد را دارند از موضوع‌های مهمی است که در این مقاله بررسی شده است. بدین‌منظور در ابتدا به‌بیان دیدگاه‌های دو مکتب مهم درخصوص حریم خصوصی می‌پردازیم، سپس در سه بخش روابط میان زن و مرد، سیاست‌های جمعیتی و حریم خصوصی میان والدین و فرزندان، حق حریم خصوصی در ابعاد مختلف روابط خانوادگی بررسی خواهیم کرد.

۱- مبانی نظری حریم خصوصی

۱-۱- لیبرالیسم

بر اساس لیبرالیسم، جامعه باید به‌گونه‌ای سازماندهی شود که هر فرد از آزادی وسیعی برخوردار باشد تا بتواند در مورد نحوه زندگی خود تصمیم‌گیری کند و این حوزه از آزادی، باید برای تمام افراد یکسان باشد. در جامعه لیبرال، افراد آزادند ارزش‌هایی کاملاً

1. ECHR Appl. No. 11418/85, Jolie & Lebrun v. Belgium, 14 May 1986, DR 47, p. 243

2. ECHR Appl. No. 9993/82, X v. France, 5 Oct. 1982, DR31, p 241, 5 EHRR 302; Söderbäck v. Sweden, judgment of 28 Oct 1998.

متفاوت از ارزش‌های همسایه خود داشته باشند. قانون در تشکیل چنین جامعه‌ای نقشی کلیدی بر عهده دارد. افراد ممکن است بر سر ارزش‌ها با یکدیگر مخالف باشند، ولی اگر توافق کنند که از تصمیمات معتبر جامعه پیروی نمایند، در این صورت می‌توانند با آرامش و آزادی در کنار هم زندگی کنند (آلمن، ۱۳۸۵، ص. ۵۱۲).

این آزادی افراد در انتخاب ارزش‌های متفاوت دامنه حریم خصوصی افراد را گسترده می‌کند و به افراد اجازه اندیشیدن، استقلال و آزادی اراده را می‌دهد که همه اینها مفاهیمی مبتنی بر حقوق بشر است.

جان استوارت میل^۱ به شدت از وجود حریم خصوصی دفاع می‌کرد، وی می‌گفت: «تنها منظوری که برای آن آدمیان حق دارند به صورت فردی یا اجتماعی و آزادی عمل فرد یا افراد دیگر مداخله کنند، حفاظت و دفاع از نفس است. به عبارت دیگر، در جامعه متمدن، اجبار و زور وقتی ممکن است نسبت به فردی به کار رود که منظور از آن، جلوگیری از آسیب رسانیدن به دیگران باشد، اما حتی حق ندارند نسبت به کسی اعمال زور کنند که خیر و صلاح خود او را تأمین کنند» (صناعی، ۱۳۸۴، ص. ۲۰۶).

آنچه موجب انتقاد طرفداران دیگر مکتب‌ها به لیبرالیسم شده این است که چه اعمالی تنها به خود فرد مربوط است؟ آیا فردی‌ترین امور نیز در جامعه تأثیرگذار نیستند و یا بر دیگر انسان‌ها تأثیرات غیرمستقیم دارند؟ آیا دادن آزادی بیش‌از اندازه به افراد در جامعه خود موجب فساد نیست؟ عده‌ای معتقدند که دخالت لیبرالیسم در حوزه خصوصی بشر نتیجه ضرورت‌ها و الزامات حوزه عمل است. به عبارت دیگر، مقتضای عمل مدیریت حوزه عمومی، دخالت در حوزه خصوصی است؛ زیرا حوزه خصوصی در پیوندی وثیق با حوزه عمومی بوده و به شدت بر مناسبات آن تأثیر می‌گذارد (رمدار، ۱۳۹۱، ص. ۱۱۰). درک آرنت از آزادی مثبت است که در آن آزادی نه به حوزه خصوصی، بلکه به حوزه عمومی و عمل جمعی با دیگران مربوط می‌شود. آزادی مثبت امکان عمل در حوزه عمومی است. درحالی‌که آزادی منفی رها ماندن در عرصه خصوصی است (بشیریه، ۱۳۸۵، صص. ۱۱۵-۱۱۶). منظور از آزادی مثبت این است که دولت باید با مداخله ایجابی، شرایط

1. John Stuart Mill

برخورداری افراد جامعه را از آزادی فراهم کند. البته از نظر لیبرال‌ها این مداخله نباید در حدی باشد که مناسبات اجتماعی یا ماهیت نظام را عوض کند. بنا به این نگرش کار دولت عرضه خوشبختی به افراد نیست بلکه فراهم کردن شرایطی است که افراد بتوانند با به‌کار انداختن ظرفیت‌های خودخوشبختی خود را جستجو کنند (پولادی، ۱۳۹۱، صص. ۹۱-۹۲).

متفکران لیبرال عملاً باید تناقض فردیت، آزادی، عقل و حق را با یکدیگر و وجود اجتماعی انسان حل کنند (محمودیان، ۱۳۸۰، ص. ۴۱). پاسخ‌های متفاوتی برای سؤال فوق وجود دارد، اما طرح مسئله قرارداد اجتماعی، وجود اجتماعی انسان و منفعت جمعی می‌تواند پاسخ درست‌تری برای حل ابهام‌های لیبرالیسم باشد. کانت^۱ می‌اندیشد که تدوین قانون نمی‌تواند و نباید بر پایه سعادت افراد قرار گیرد؛ زیرا ابهام در تعریف سعادت و اینکه نمی‌توان سعادت را به دیگران توصیه کرد، نشان می‌دهد که سعادت هرگز نمی‌تواند به‌تنهایی بنیاد درستی برای تدوین قانون باشد. ممکن است رد اصل سعادت به‌عنوان بنیاد تدوین قانون، در آغاز برخی را نامنتظر و گران آید، اما هرگاه در نظر آوریم که سعادت مفهومی نسبی و دارای ابهام است و به‌تعبیر کانت «تعریف شده و قطعی نیست» و فقط می‌تواند آثار منفی بر حق سیاسی بگذارد، شاید ادراک لیبرال‌ها فهمیده شود. به سخن اسپینوزا، فشار شدید برای پالایش اخلاق در جامعه، خود به پدید آمدن مفساد اخلاقی می‌انجامد (محمودی، ۱۳۸۳، ص. ۲۵۸). تدوین قانون در رابطه با امور خصوصی زندگی اشخاص از نظر روانی جامعه را به واکنش و امی دارد و به‌عبارتی هم برای مردم مضر است، هم برای حکومت؛ زیرا حکومت را مستبد می‌کند و مردم را به انحراف می‌کشد. نکته مهم این است که اصولاً اخلاق اغلب در قواعد جزئی خود، مفهومی نسبی است و آنچه از نظر حکومت اخلاقی است ممکن است از دیدگاه خیل مردم غیراخلاقی باشد.

با نگرشی به لیبرالیسم تصمیم به ازدواج و تشکیل خانواده از حقوق طبیعی هر شخص بوده و مطابق ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر «زن و مرد وقتی به سن ازدواج برسند می‌توانند بدون هیچ قید نژادی و ملی و دینی ازدواج کنند و خانواده تشکیل بدهند. آنان به هنگام زناشویی و در اثنا و در هنگام انحلال آن دارای حقوق متساوی

1. Immanuel Kant

می‌باشند؛ بنابراین در غرب و جوامع لیبرالی ازدواج‌هایی مانند ازدواج خصوصی و ازدواج آزمایشی و ازدواج دوستانه رواج یافته است (باقی، ۱۳۹۰، ص. ۱۵۸).

به‌طور خلاصه اتفاقی که در لیبرالیسم افتاده از این قرار است در گام نخست، میان حوزه‌های خصوصی و عمومی بشر تفکیک شده است. در گام دوم، اصالت به حوزه خصوصی داده شده و از همین‌روی هم، برنامه‌ها و تجویزهای لیبرالیسم به حداقلی شدن حوزه عمومی (دولت حداقلی) و حداکثری شدن حوزه خصوصی معطوف شده است (ره‌دار، ۱۳۹۱، ص. ۱۱۱). اصولاً خانواده و آنچه در آن می‌گذرد مطابق تفکرات لیبرالیستی جزو حوزه خصوصی زندگی انسان است و دولت نباید با وضع قانون در این حیطه دخالت کند. در واقع تصمیم‌گیری در حیطه مسائل خانوادگی جزو فردیت هر انسان است و حکومت باید به این فردیت احترام بگذارد. لیبرالیسم وجه اجتماعی برای زندگی خانوادگی قائل نیست و آزادی و خودمختاری زیادی را در این حیطه برای بشر قایل است.

۱-۲- فمینیسم

در اوایل سده نوزدهم میلادی، جنبشی به نام «فمینیسم» با شعار تساوی و برابری زن و مرد در همه زمینه‌ها پدیدار شد. این جنبش در واقع اعتراضی به مردسالاری حاکم بر جامعه اروپایی بود، چنان‌که در اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه نیز هیچ‌گونه حقی برای زنان در نظر گرفته نشده بود. به‌همین‌جهت گروهی از زنان در مخالفت با این نابرابری دست به اعتراض زدند و خواهان حقوق برابر با مردان شدند (عظیم‌زاده اردبیلی و خسروی، ۱۳۸۸، ص. ۵۴).

فمینیسم به شاخه‌های مختلفی تقسیم می‌شود از جمله فمینیسم لیبرال که در آن آزادی فردی از یک حوزه خصوصی برخوردار است که دولت و قانون از نظر قانونی نمی‌توانند در آن مداخله کنند و فمینیسم رادیکال که دولت قانوناً می‌تواند در حوزه به اصطلاح خصوصی آزادی فردی مداخله نماید (آلتمن، ۱۳۸۴، ص. ۲۸۷).

فمینیسم رادیکال از دو جهت به نظریه لیبرال در مورد حق خلوت انتقاد می‌کند. نخست اینکه، قانون و سیاست رسمی دولت، از همان آغاز، به‌طرزی پیچیده در این حوزه

به اصطلاح خصوصی دخالت داشته است؛ برای مثال، لیبرال‌ها حوزه ازدواج و خانواده را درست در قلب حیطه خلوت می‌دانند که دولت نباید به آن تجاوز کند، اما ازدواج و خانواده شدیداً تحت نظارت و کنترل قانون و سیاست‌های رسمی هستند و حتی برپایه آن‌ها موجودیت می‌یابند. در واقع قانون تعیین می‌کند چه موقع ازدواج به‌وقوع پیوسته و چه موقع پایان یافته است، قانون تعیین می‌کند چه گروهی از افراد، خانواده‌اند و کدام یک خانواده به‌شمار نمی‌آیند؛ بنابراین، از نظر مفهومی، معنا ندارد بگوییم حوزه‌ای «خصوصی» به‌نام ازدواج و زندگی خانوادگی وجود دارد که باید دولت را از دخالت در آن منع کرد.

ثانیاً آنها می‌گویند این نظریه، در عمل به تقویت و تداوم قدرت مردسالاری مردان بر زنان کمک کرده است؛ زیرا زنان در حیطه «خصوصی» خانواده، تحت ستم قرار می‌گیرند و نظریه لیبرال راجع به حق خلوت مانعی بر سر راه از بین بردن این ظلم است؛ زیرا مسائل خانوادگی «به‌هیچ‌کس دیگر مربوط نمی‌شود». از نظر فمینیست‌های رادیکال، مبارزه مؤثر در برابر مردسالاری، یعنی اینکه آن چه را در حیطه «خصوصی» خانواده رخ می‌دهد، به مسئله‌ای عمومی و سیاسی تبدیل کنیم. این نکته بخش اصلی مفهوم شعار فمینیستی است که می‌گوید: «آنچه شخصی باشد، سیاسی است» (آلمن، ۱۳۸۴، صص. ۲۹۴-۲۹۵).

بسیاری از فمینیست‌ها نگران آن هستند که اگر تمایز بین قلمروهای عمومی و خصوصی، ساحت خصوصی را از هرگونه دیده‌بانی عاری سازد، از ساحت خصوصی به‌مثابه حفاظتی برای سرپوش گذاشتن روی سوءاستفاده از زنان، تحقیر ایشان و تسلط بر ایشان استفاده شود. راه‌حل منطقی‌تر به‌رسمیت شناختن این مسئله که اگرچه ساحت خصوصی می‌تواند به‌مثابه حفاظتی برای سوءاستفاده و تعدی به‌کار گرفته شود، اما رد کامل و تمام‌عیار امر خصوصی، همه چیز را عمومی و علنی (public) می‌کند و ساحت خانگی را در معرض دیده‌بانی و مداخله کامل حکومت قرار می‌دهد و این در حالی است که زنان به ساحت خصوصی علاقه دارند که بتواند از آنان در برابر برنامه‌های عقیم‌سازی یا باردارسازی تحمیلی و... ازسوی حکومت صیانت نماید و درعین‌حال،

بتواند تنظیمات معقولی همچون «اعطای حقوقی علیه تجاوز زناشویی» برای آنان فراهم نماید (هیدن، ۱۳۹۲، ص. ۲۳۰).

اگر به مجموعه دخالت‌های دولت‌ها در حوزه خصوصی شهروندان بنگریم، خواهیم دید که دستاوردهای زیادی از این رهگذر نصیب زنان نشده است. اگر دست دولت‌ها برای دخالت در حوزه خصوصی کاملاً باز باشد، آنها به گروه‌های حاشیه‌ای و کم‌قدرت فشار می‌آورند؛ زیرا اکثریت بودن و قدرت داشتن در جامعه است که دولت‌ها را به سمت دخالت در حوزه خصوصی وامی‌دارد. در این میان وقتی ما هنوز از یک نظام مردسالاری پرنفوذ و قدرتمند در همه جهان (حتی در کشورهای مردم‌سالار) صحبت می‌کنیم، این بدان معناست که این مردسالاری اجازه نخواهد داد «مصادیق ورود دولت به حوزه خصوصی» به نفع زنان خاتمه یابد.^۱

با وجود این کریستین پسانوویچ^۲ اشاره می‌کند که معایب ذکر شده توسط فمینیست‌ها در دایره مفهوم حریم خصوصی نمی‌گنجد؛ زیرا حریم خصوصی اهداف مثبت و منفی دارد. حریم خصوصی باید در برابر استبداد قدرت عمومی برای افشای موارد مربوط به حریم خصوصی حمایت شود، اما حریم خصوصی به‌عنوان مانعی که موجب می‌شود که مردم از نیازها و منافع خود به‌عنوان یک شهروند چشم‌پوشی کنند، نباید حمایت شود (Newman, 2008).

از گفته‌های گروه‌های مختلف طرفدار فمینیسم می‌توان دریافت که آنها خواهان مداخله دولت برای دفاع از حقوق زنان هستند، اما نسل جدید فمینیست‌ها مداخلات پدرسالارانه دولت را در زندگی خصوصی افراد بر نمی‌تابد و آن را نهي می‌کند.

۲- حق حریم خصوصی در خانواده

۲-۱- روابط زن و مرد

در گستره روابط زن و شوهر در خانواده دو نوع حریم وجود دارد:

1. <http://ir-women.com/spip.php?article9552>
2. Christine Sypnowich

۱- ابتدا حریمی که زن و شوهر نسبت به دیگران دارند و افراد دیگر حق ورود بدون اجازه به این حریم را ندارند. نحوه رفتار جنسی بین زوجین از مصادیق حریم خصوصی جنسی در خانواده به‌شمار می‌آید که دیگر اعضای خانواده باید حرمت فضای مربوط به مناسبات جنسی زناشویی را نگه داشته از نظاره و ورود به آن اجتناب نمایند (نقیبی، ۱۳۸۹، ص. ۴-۵).

۲- حریمی که هریک از زن و شوهر نسبت به یکدیگر دارند و برای ورود به آن حریم باید اذن ورود داشته باشند.

در مورد مداخله ثالث از جمله دولت (از طریق قانون‌گذاری) در روابط خانوادگی، دیوان اروپایی حقوق بشر تصریح می‌کند که «حق احترام به زندگی خصوصی دامنه‌اش تا این اندازه است که هر انسانی حق دارد با هرکسی که می‌خواهد آزادانه روابطش را گسترش دهد و شخصیتش را کمال بخشد. همچنین او می‌تواند امکان ایجاد روابط از انواع مختلف، از جمله جنسی با دیگر افراد داشته باشد».^۱ این بیانیه نشان می‌دهد که روابط و فعالیت‌های جنسی به زندگی خصوصی فرد مربوط می‌شود. با یک نگاه کلی به رویه قضایی مشخص می‌شود که حریم خصوصی در روابط میان زن و مرد تا چه اندازه مهم است و باید از آن حفاظت به عمل آید (Roagna, 2012, p.16). بیانیه فدراسیون بین‌المللی انجمن تنظیم خانواده نیز در ماده چهارم خود تأکید می‌کند: «همه افراد حق این را دارند که مورد معارضه خودسرانه در حیطه حریم خصوصی خانواده، خانه، اسناد و مکاتباتشان واقع نشوند و نیز حق حریم خصوصی را که در داشتن استقلال جنسی لازم است دارا می‌باشند».^۲

در دعوی همبرگر علیه ایستمن^۳، صاحبخانه یک وسیله استراق سمع را در اتاق خواب شاکی که یک زن و شوهر بودند کار گذاشته بود. خواهان‌ها ادعا کردند که پس از کشف وسیله شنود، شدیداً آشفته و دچار رنج و عذاب روحی شده‌اند. دادگاه اعلام کرد که ورود به اتاق خواب زناشویی کاملاً جنبه اهانت‌بار دارد و ورود به این حریم، صدمه

1. ECHR, Brüggeman and Scheuten v. Germany (dec.), 19 May 1976
 2. Sexual Right: an IPPF declaration 2008
 3. Hamberger v. Eastman

به شخصیت به‌شمار می‌رود (انصاری، ۱۳۹۳، ص ۱۶۳). اتاق خواب زناشویی جزو حریم خصوصی خانوادگی اشخاص محسوب می‌شود و هرگونه ورود به آن نادیده گرفتن کرامت انسانی است. این حیطة مخصوص به زن و مرد می‌باشد و در تمام جوامع جز حریم خصوصی افراد محسوب می‌شود.

اما هر رابطه جنسی‌ای که در پشت درهای بسته انجام می‌گیرد، در حیطة ماده هشت نخواهد بود. در پرونده لاسکی و ... علیه بریتانیا^۱، خواهان‌ها به میل خود اقدام به یکسری عملیات سادومازوخیستی (آزارگری و آزارخواهی جنسی) کرده بودند و هدف آنها در این راستا تنها لذت جنسی بود. در این رابطه قضات از اظهار این امر تحفظ کردند که تفسیر ماده هشت را می‌توان تا آنجایی بسط داد که متضمن اعمال جنسی سازمان-یافته این‌چنینی در سطح گسترده افراد، ایجاد اتاق‌های کاملاً مجهز به وسایل مازوخیستی (آزاردهنده)، جذب اعضای جدید، تهیه نوار ویدیویی و توزیع آن میان اعضا باشد (Kilkelly, 2003, p.12). تصمیم دیوان در این خصوص بسیار متعادل و منطقی می‌باشد؛ زیرا از بسط رفتارهای خطرناک جنسی در جامعه جلوگیری می‌کند و در عین حال به منزله دخالت‌های قیم‌مابانه حکومت در زندگی خصوصی خانوادگی شهروندان نیست.

در سال ۱۹۹۸ توزیع اسباب بازی‌های جنسی در ایالت آلاباما جرم‌انگاری شد و مجازات نقدی و حبس تا یک سال برای آن در نظر گرفته شد. آلاباما تنها ایالتی نبود که این قانون را تصویب کرده بود بلکه هفت ایالت دیگر هم فروش، توزیع و یا تبلیغ این ابزارهای خطرناک را ممنوع کرده بودند. قانون آلاباما توسط تولیدکننده‌ها و مصرف‌کننده‌ها مورد شکایت واقع شد. ایالت آلاباما در دادگاه بخش دلایلی را برای منع فروش این ابزار مطرح کرد از جمله اعتقاد به اینکه تجارت این محصولات هیچ ربطی به ازدواج، تولید مثل، و روابط خانوادگی ندارد و مخل سلامت و اخلاق جامعه است. در نهایت دادگاه به این نتیجه رسید که این قانون در واقع حریم خصوصی را نقض می‌کند.

1. ECHR, Laskey, Jaggard & Brown v.the United Kingdom, judgment of 19 February 1997.

این نتیجه بر مبنای این ادعا بود که حق حریم خصوصی جنسی به‌طور تاریخی در آمریکا مورد محافظت قرار می‌گرفته است (Raban, 2012, pp 41-43).

با توجه به این‌گونه آرا است که درمی‌یابیم دولت‌ها تا جایی که به نظم عمومی، لطمه‌ای وارد نمی‌شود، نباید در محدوده حریم خصوصی شهروندان قانون‌گذاری کنند؛ زیرا این محدوده متعلق به بشر است و تنها خود انسان است که باید در خصوص آن تصمیم‌گیری کند. به‌طورکلی با تأمل در حقوق ایران درمی‌یابیم که اصولاً مسائل جنسی دارای جنبه عمومی در نظر گرفته می‌شوند و قانون‌گذار در مواردی برای آنها مجازات در نظر گرفته است؛ زیرا تعریف حریم خصوصی خانوادگی، تنها شامل روابط جنسی در چهارچوب ازدواج است؛ مثلاً ماده ۸۶۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ آمده است که «هرگاه زن و مردی که بین آنها علقه زوجیت نباشد، مرتکب روابط نامشروع یا عمل منافی عفت غیر از زنا از قبیل تقبیل یا مضاجعه شوند، به شلاق تا نودونه ضربه محکوم خواهند شد».

اما درخصوص حریم زوجین نسبت به یکدیگر، درست است که همسران قرار است در زمینه‌های مختلف با هم شریک و سهیم باشند، اما اگر مشارکت از حدی بگذرد و یکی از طرفین سعی کند دیگری را محدود کند، وی ممکن است احساس کند زندانی شده است؛ لذا احترام به حریم همدیگر در زندگی مشترک یک اصل به‌شمار می‌رود. در اهمیت حریم خصوصی همین‌بس که رعایت آن از مهم‌ترین عوامل ثبات رابطه است و رعایت نکردن آن باعث اختلاف‌های زیادی در بین همسران می‌شود (میرخشتی، ۱۳۹۲، ص. ۱۶۷).

زن مانند هر انسانی برجسم خود مالکیت و تصرف دارد، اما گاهی به‌کارگیری حق مزبور با حق تمکین تزامم می‌کند، به‌خصوص اگر زوجه برای ارضای نیاز جنسی همسرش از نظر جسمانی و روانی در شرایط مطلوب قرار نداشته باشد. برخی نویسندگان حقوق بر این اعتقادند که در چنین شرایطی باید حریم خصوصی زوجه محترم شناخته شود؛ زیرا با پذیرش تسلط زن بر بدن خود ارضای نیاز جنسی همسر بدون رضایت و داشتن آمادگی زوجه، نقض حریم خصوصی او قلمداد شود (پورعبداللّه و جیل‌زاده، ۱۳۹۲، ص. ۳۵).

پیش از قانون عدالت کیفری و نظم عمومی، قانون جرایم جنسی انگلستان بیان می‌داشت که لازمه تجاوز جنسی این است که آمیزش جنسی غیرقانونی باشد. این به معنی آمیزش جنسی بود که خارج از ازدواج صورت می‌گرفت که بدین معنی بود که شوهری که با زنش بدون رضایت او آمیزش جنسی انجام می‌داد، مجرم شناخته نمی‌شد؛ گرچه ممکن بود نسبت به جرم سبک‌تری، مانند تعرض خلاف عفت عمومی مسئول شناخته شود. این نظریه، به نوشته‌های متخصص حقوقی قرن هفدهم، هیل برمی‌گردد که گفت: زن با رضایت دادن به ازدواج، برای بقیه مدتی که در عقد ازدواج همسر است به صورت خودکار به آمیزش جنسی با همسرش رضایت داده است و نمی‌تواند این رضایت را پس بگیرد. همان‌طور که رویکرد به زنان و رابطه زناشویی تغییر کرد، قانون تجاوز جنسی در محدوده ازدواج مورد انتقاد قرار گرفت، اما در سال ۱۹۹۱ بود که این قانون در نهایت تغییر کرد و مجلس اعیان پذیرفت که زمان تغییر کرده است و تجاوز جنسی در محدوده ازدواج باید جرم تلقی شود. در دعوایی در سال ۱۹۹۲، قاضی رابین دیوید گفت: پذیرفته است که تجاوز جنسی در محدوده ازدواج از لحاظ تخصصی، تجاوز است، اما این مورد باید از مورد تجاوز یک غریبه به یک زن تمیز داده شود؛ زیرا «حس خشم» زن وقتی که همسرش به او تجاوز می‌کند با وقتی که غریبه‌ای به او تجاوز می‌کند، قابل مقایسه نیست (الیت و کوپین، ۱۲۸۷، صص. ۲۲۶-۲۲۷).

کمیته حقوق بشر همچنین از خشونت علیه زنان در حوزه خصوصی ابراز نگرانی کرده است. کمیته در مورد کامبوج اظهار نمود: «نزدیکی به عنف توسط شوهر» به عنوان جرم محسوب نشده و مقامات از زنان شاکی از خشونت خانگی حمایت نمی‌کنند. به اعتقاد کمیته دولت عضو باید اقداماتی اتخاذ کند تا زنان را از حفاظت قانونی مؤثر علیه خشونت خانگی برخوردار کند.^۱

با توجه به این مسئله که حقوق جنسی نیز حق تمام افراد برای تصمیم‌گیری آزادانه و مسئولانه در همه ابعاد زندگی جنسی، رهایی از تبعیض، اجبار و خشونت در تصمیم‌گیری‌های جنسی و مسئولیت مشترک در رابطه جنسی تعریف می‌شود (جان‌قربان،

1. <http://www.ohchr.org/EN/NewsEvents/Pages/DisplayNews.aspx?NewsID=15715&LangID=E>

۱۳۹۳، ص. ۲۰). باید این نتیجه را گرفت که زن‌ها هم همانند مردها حق تصمیم‌گیری آزادانه و به‌دور از خشونت درخصوص روابط جنسی خود را دارند. در جوامع زن‌ستیز، حریم خصوصی زنان از سوی مردان به اندازه «هیچ» تعریف و بر این باور پافشاری می‌شود که در زندگی زن شوهردار هیچ نقطه پوشیده و پنهانی برای شوهر نباید وجود داشته باشد. این در حالی است که در جوامعی که به برابری زن و مرد می‌اندیشند، برای زنان و شوهران اندازه‌ای از حریم خصوصی منطقی و منصفانه برشمرده می‌شود؛ بنابراین باید به پرسش درباره حریم خصوصی همسران در هر جامعه با توجه به ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی همان جامعه پاسخ داد (میرخشتی، ۱۳۹۲، ص. ۱۷۰).

در حقوق ایران که متأثر از حقوق اسلامی است، قانونگذار این نوع حریم خصوصی را مورد توجه قرار نداده است و باید آن را مربوط به روابط خاص طرفین دانست که به نحو مناسب باید آن را حل کنند (رحمدل، ۱۳۸۴، ص. ۱۲۷). ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند، مستحق نفقه نخواهد بود». طبق ماده مزبور، زنی که از شوهرش تمکین نمی‌کند حق مطالبه نفقه از او سلب می‌شود. تمکین دو نوع می‌باشد: عام و خاص. مفهوم تمکین خاص اطاعت از نیازهای غریزی مرد از طرف زن می‌باشد و مفهوم تمکین عام فرمانبرداری در تمام امور کلی زندگی می‌باشد. تعلق نفقه وابسته به تمکین کامل است، یعنی تمکین عام و خاص. ممکن است قید «مانع مشروع»، شامل مواردی نیز باشد که زن به جهت مشکلات روحی و جسمی که اختصاص به زنانگی وی ندارد، قادر به انجام «وظایف زوجیت» نیست. با این تفسیر می‌توان از اطلاق ضرورت تمکین تحت هر شرایط (به‌عنوان برداشت عمومی)، کاست.

۲-۲- سیاست‌های کنترل جمعیت و حق بر حریم خصوصی در زندگی

خانوادگی

احترام به کرامت بشری مستلزم این است که به او اجازه انتخاب بدهیم تا با توجه به شرایط خود و خانواده در خصوص بچه‌دارشدن تصمیم بگیرد؛ چراکه فرزندآوری مستلزم تعهداتی از جمله در زمینه حضانت و تربیت فرزند است. برخی دولت‌ها به‌بهانه

سیاست‌های جمعیتی نفوذ خود را به این حوزه خصوصی از زندگی انسان‌ها گسترش داده‌اند که گاه موجب نارضایتی شهروندان است.

حق تولید مثل از جمله حقوقی است که بشر به محض تولدش از آن برخوردار می‌شود. با وجود حق مسلم افراد در تولید مثل و ضرورت احترام به حریم خصوصی، پیچیدگی‌های اقتصادی و سیاسی مناطق مختلف جهان و گاه وابستگی مالی برخی جوامع به کمک‌های بین‌المللی، سیاست‌های مداخله‌ای کنترل جمعیت، اخلاقی جلوه می‌نماید، اما این مداخلات باید با ملاحظات خاصی صورت پذیرد، اولاً هدف‌گذاری کنترل و تنظیم جمعیت به منظور تأمین سیاست‌های ایدئولوژیک یا تغییر جمعیتی از سوی دولت امری غیراخلاقی است و ثانیاً استقرار نظام‌های اجباری و کیفری برای به اجرا در آوردن سیاست‌های تنظیم خانواده امری غیراخلاقی محسوب می‌شود. دولت‌ها اجازه دخالت مستقیم در امور خصوصی جامعه را ندارند و پیشنهاد می‌شود اهداف چنین سیاست‌هایی در حد ضرورت «خیر مشترک» جامعه و صرفاً در سایه طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی و آگاه‌سازی دقیق، بی‌طرفانه، همه‌جانبه و فراگیر تأمین شود (فرهانچی، رحیمی و مسلمی، ۱۳۹۱، ص. ۱).

بدین ترتیب، لازمه حقوق باروری به رسمیت شناختن حقوق تمام زوجین و افراد در تصمیم‌گیری در مورد تعداد، فاصله و زمان فرزنددار شدن، داشتن اطلاعات و وسایل پیشگیری از بارداری و تصمیم‌گیری درباره باروری فارغ از تبعیض، اجبار و خشونت می‌باشد (جان قربان، ۱۳۹۳، ص. ۲۰). در چهارمین کنفرانس جهانی زنان (پکن، ۱۹۹۵م) نه‌تنها بر حقوق باروری مجدداً تأکید شد بلکه توجه وسیعی به حقوق جنسی معطوف گردید و به صراحت عنوان شد که حقوق بشر زنان، شامل حق کنترل و تصمیم‌گیری آزادانه و مسئولانه در مسائل مربوط به روابط جنسی‌شان نیز می‌باشد^۱. ماده ۴ بیانیه پیشرفت اجتماعی و توسعه، بر نقش خانواده در جامعه و حق انحصاری زوجین در تصمیم‌گیری آزادانه و مسئولانه در خصوص تعداد و فاصله فرزندان تأکید دارد^۲.

1. Report of the Fourth World Conference on Women, para. 96. Beijing: United Nations; 1995.

Available at: <http://www.un.org/womenwatch/daw/beijing/fwcwn.html>.

2. Declaration on Social Progress and Development. New York: United Nations; 1969. Available at: <http://www2.ohchr.org/english/law/pdf/progress.pdf>.

اعلامیه تهران مصوب ۱۹۶۸ در ماده ۱۶ خود تصریح می‌کند، والدین دارای حق اساسی بشری در زمینه تصمیم‌گیری آزادانه و همراه با درک مسئولیت در مورد تعداد و فاصله سنی فرزندان خویش‌اند.^۱

پیشرفت علوم شیمی و پزشکی، روش‌های مؤثری را در جلوگیری از بارداری ابداع کرد که به برکت آنها برای اولین بار زنان توانستند بر تمایل هزاران سالانه خود مبنی بر تفکیک روابط جنسی از تولید مثل تحقق بخشند. نخستین پیشگامان این نهضت کشورهای اروپای شمالی و ایالات متحده بودند (میشل، ۱۳۸۳، ص. ۱۱۷). در دعوی گریس ولد علیه کانیکتیکت^۲ در دیوان عالی ایالات متحده، دادگاه، حق حریم خصوصی را بر طبق قانون اساسی شناسایی کرد و موجب ابطال قانون کانیکتیکت در جرم‌انگاری استفاده از وسایل پیشگیری از بارداری شد. کانیکتیکت از قانون خود با این ادعا دفاع کرد که بازداشتن از روابط نامشروع منصرف به جرم‌انگاری استفاده از وسایل پیشگیری از بارداری است؛ زیرا غیاب وسایل پیشگیری از بارداری مردم را به تأمل بیشتری در خصوص رابطه با فردی غیر از همسر وامی‌دارد. از قضا قانون ممنوعیت استفاده از وسایل پیشگیری از بارداری برای زوج‌های ازدواج کرده هم قابل اجرا بود. نظر اکثریت در دادگاه بر این بود که این قانون دخالت در حریم مقدس زندگی زناشویی است و آزادی فردی انسان را محدود می‌کند (Raban, 2012, p. 20).

یکی از چالش‌برانگیزترین جنبه‌های حقوق باروری جنسی در زمینه حق تصمیم‌گیری برای فرزنددار شدن، سقط می‌باشد. در استانداردهای حفظ و مراقبت سلامت کنفرانس بین‌المللی جمعیت و توسعه، اشاره شده است که در هیچ موردی نباید سقط جنین به‌عنوان یک روش پیشگیری از بارداری ترویج شود (جان قربان، ۱۳۹۳، ص. ۲۲). در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، سقط جنین در اکثر کشورهای دنیا غیرقانونی بود. در ایالات متحده بین سال‌های ۱۸۲۰ الی ۱۹۶۰ در تمامی پنجاه ایالت سقط جنین ممنوع و به‌خاطر خطرهایی که برای مادر متصور بود، حتی متعصب‌ترین فمینیست‌های آن دوره هم با آن مخالف بودند (مهاجرین، ۱۳۸۷، ص. ۱۴۹).

1. www.unic-ir.org/hr/declaration-tehran.htm
2. Griswold v. Connecticut

دیوان عالی در پی رأی گریس ولد که اطلاعات درباره تنظیم خانواده و تصمیم به استفاده از آن مسئله‌ای خصوصی تلقی شد، در پرونده‌ای در مورد حق زن برای عمل سقط جنین که چند سال بعد مطرح شد، حق بارداری از حریم خصوصی را وسعت بخشید. در دعوای رویی علیه وید^۱ در سال ۱۹۷۳ دادگاه به این نتیجه رسید که قانون سقط جنین در تگزاس خلاف قانون اساسی به‌عنوان نقض حریم خصوصی بوده است. طبق این قانون سقط جنین جرم محسوب می‌شد، مگر در مواردی که برای نجات زندگی زن باردار ضروری باشد. دادگاه دریافت که ممنوعیت سقط جنین برای حفظ جان جنین تنها در سه ماهه سوم ممنوع است. این تصمیم توسط فمینیست‌ها مورد استقبال واقع شد و مورد نکوهش بسیاری از مسیحیان نیز قرار گرفت (Wacks, 2010, p.60).

بسیاری از فمینیست‌های رادیکال، استدلال دیوان عالی را درخصوص پرونده فوق، مردود می‌دانند. استدلال دادگاه این بود که حق سقط جنین، بر اساس حق عمومی خلوت است که برخی تصمیم‌های خصوصی و شخصی را از دخالت دولت مصون می‌دارد. این تصمیم‌ها عبارت‌اند از: تصمیم یک زوج برای استفاده از داروهای ضد بارداری و تصمیم زنان برای خاتمه بخشیدن به دوره بارداری خود. رادیکال‌ها معتقدند وقتی حق سقط جنین بر مبنای نظریه حق خلوت باشد، نتیجه این خواهد بود که دولت هیچ مسئولیتی برای پرداخت هزینه کورتاژ زنان بی‌بضاعت ندارد (آلمن، ۱۳۸۴، صص. ۴۰۱-۴۰۲).

در این بین موافقان و مدافع سقط جنین، جرم‌انگاری این عمل را با حقوق بشر در تعارض می‌بینند. این عده زمان تحقق شخصیت حقوقی را در جنین به مراحل متأخر تکامل جنین و حتی بعد از تولد او موکول می‌کنند و رشد عقلی و روانی را ملاک تعلق شخصیت حقوقی به وی قرار می‌دهند. برخی نیز بر فرض قبول انسانیت جنین، حقوق مادر را مقدم بر حقوق جنین می‌پندارند. به‌طورکلی اگر شخصیت حقوقی جنین در تمام دوران جنینی یا در بخشی از آن، مورد پذیرش واقع شود، اعطای حق بر سقط جنین به مادر، ناقض حق بر شخصیت حقوقی جنین می‌باشد (احمدی‌نژاد، ۱۳۹۳، صص. ۱۰-۱۱).

1. Roe v Wade

فدراسیون بین المللی تنظیم خانواده، در ماده ی ۴ منشور راهنمای حقوق جنسی و باروری، حریم خصوصی جنسی را به رسمیت شناخته، مبارزه با حاملگی اجباری و ادامه اجباری آن را الزامی دانسته و سقط جنین را جزو حق حریم خصوصی زن مبنی بر انتخاب محسوب کرده است.^۱

با این حال در حقوق بین الملل بشر، هیچک از معاهده‌های سازمان ملل متحد از حق سقط جنین یادی نکرده‌اند و تنها پروتکل «ماپوتو»^۲ که توسط اتحادیه آفریقایی ضمیمه منشور آفریقایی حقوق بشر و مردم شده است، شرایطی را برای صدور مجوز سقط جنین درمانی مقرر می‌دارد. بند ۲ ماده ۱۴ این پروتکل عنوان می‌دارد: «دولت‌های عضو، کلیه اقدام‌های مقتضی را برای حفاظت از حقوق باروری زنان با صدور مجوز سقط جنین درمانی در موارد تجاوز جنسی، زنا یا به زنا، زنا با محارم و مواردی که در آن ادامه بارداری، سلامت روانی و جسمی مادر یا زندگی مادر و رویان را به خطر می‌اندازد، انجام می‌دهند».

کمیته حقوق بشر سازمان ملل در دعوی میلین علیه ایرلند^۳ تشخیص داد که ممنوعیت سقط جنین در ایرلند نقض چند ماده از میثاق حقوق مدنی و سیاسی می‌باشد؛ زیرا این ممنوعیت حتی به موردی که جنین مبتلا به ناهنجاری تشخیص داده شده و مدت کوتاهی پس از زایمان می‌میرد، هم تسری داده شده است. کمیته به اتفاق آرا به این نتیجه رسید که ممنوعیت سقط در این موارد رفتار بی‌رحمانه، غیرانسانی و اهانت‌آمیز است و نقض ماده ۷ میثاق و همچنین نقض حریم خصوصی مندرج در ماده ۱۷ میثاق می‌باشد.^۴

در دعوی تیسیاک علیه لهستان دولت با توجه به خطرهای ناشی از وخامت جدی بینایی مادر از سقط جنین جلوگیری کرده بود، دادگاه اروپایی حقوق بشر این اقدام دولت را نقض ماده ۸ کنوانسیون و در تقابل با حریم خصوصی مادر تلقی کرد. دادگاه دریافت که دولت لهستان تعهدات مثبت خود بر طبق ماده ۸ کنوانسیون، برای فراهم کردن شرایط سقط جنین قانونی برای زنان را نقض کرده است. دیوان همچنین اظهار کرد: «درحالی‌که

1. IPPF charter guidelins on sexual and reproductive rights 2003 p9

2. Maputo protocol Article 14 health and reproductive rights» 2(c).

3. Mellet v. Ireland

4. <http://www.ejiltalk.org/category/human-rights/right-to-privacyfamily-life/>

مقررات دولتی در سقط جنین مربوط به تعادل بین حریم خصوصی و منافع عمومی است، دولت‌ها باید سقط جنین درمانی را برای حفظ و تأمین سلامت روحی مادران، مورد ارزیابی قرار دهند^۱».

آنچه مسلم است این است که در مواقع به‌خطر افتادن جان مادر یا معلولیت و مشکلات جسمانی جنین عمل سقط نسبت به حفظ جان جنین با آموزه‌های حقوق بشری سازگارتر است. از طرف دیگر دیوان در دعوی ایونس بر علیه انگلستان^۲ الزام پدر برای ادامه ذخیره سازی یا کاشتن تخمک در لقاح مصنوعی را نقض ماده ۸ کنوانسیون و حق حریم خصوصی مادر ندانست. در سال ۲۰۰۲ ناتالی ایونس در بخش خانواده دادگاه عالی انگلستان دادخواستی را درخصوص جلوگیری از نابود کردن جنین منجمد شده‌اش در آزمایشگاه مطرح کرد. ناتالی و دوست پسرش جانسون به رابطه خود در سال ۲۰۰۲ پایان داده بودند و جانسون رضایت خودش برای نگهداری جنین در آزمایشگاه پس گرفت. ناتالی استدلال می‌کرد که قانون لقاح مصنوعی و جنین‌شناسی ۱۹۹۰ انگلستان که موجب نابودی جنین می‌شود با کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ناسازگار است؛ زیرا حق حیات جنین و همچنین حق حریم خصوصی ایونس را نقض می‌کند (*Goodemote*, 2007, p.572).

در کشورهای لیبرال که سیاست جنایی خود را بر اساس حقوق و آزادی‌های فردی ترسیم و ملاک خود را در تغییرات از بالا صرفاً بر اساس حریم خصوصی افراد استوار کرده‌اند، به‌گونه‌ای که هر شخص نسبت به خودش از آزادی عمل کامل برخوردار است، بر همین اساس اقدام به جرم‌زدایی از سقط جنین توسط مادر کرده‌اند (مهاجرین، ۱۳۸۷، صص. ۱۵۳-۱۵۴).

طبق ماده ۲۱۸ قانون مجازات آلمان، سقط جنین توسط پزشک با رضایت زن باردار در صورتی غیرقانونی نخواهد بود که با توجه به شرایط فعلی و آتی زندگی زن باردار، سقط جنین، از لحاظ پزشکی، جهت پیشگیری از به‌خطر انداختن زندگی وی یا جلوگیری از خطر آسیب شدید به سلامت جسمی و روحی زن باردار ضروری باشد و

1. ECHR, *Tysiāc v. Poland*, Application no. 5410/03, Eur. Ct. H.R., 20 March 2007, para. 107

2. *Evans v. The United Kingdom*

در صورتی که، با توجه به وضعیت وی، به طریق دیگری نتوان به طور معقول از خطرهای مذکور جلوگیری نمود (عباسی، ۱۳۸۹، ص. ۲۰۹). کشورهای جنوب شرق آسیا، واتیکان، گواتمالا، هنگ‌کنگ و فلیپین جز کشورهایی هستند که سقط جنین را مطلقاً جرم پنداشته و هیچ‌گونه اغمازی از خود نشان نداده‌اند (مهاجرین، ۱۳۸۷، ص. ۱۵۰).

به نظر می‌رسد نظام‌های حقوقی مختلف مواضع متفاوتی را در خصوص سقط جنین اتخاذ کرده‌اند، اما نکته مهمی که با مطالعه در آرای صادره دادگاه اروپایی حقوق بشر و کمیته حقوق بشر می‌توان فهمید این است که حریم خصوصی در تصمیم‌گیری برای سقط جنین در ماه‌های اولیه بارداری بسیار مهم می‌باشد و ادامه اجباری بارداری پسندیده نیست؛ اما دادگاه اروپایی هرگز حق حیات جنین را نیز نادیده نگرفته است. پس باید تعادلی را میان این دو حق بشری در نظر گرفت که همان اجازه سقط در ماه‌های اولیه بارداری و عدم اجازه برای سقط در ماه‌های پایانی و پس از حلول روح در جنین می‌باشد.

۲-۳- حریم خصوصی در ارتباط والدین و فرزندان

کودک هم مثل هر موجودی به استقلال و داشتن حریم خصوصی در زندگی خود نیازمند است. رعایت حریم خصوصی کودک حس اعتماد و امنیت را در او تقویت می‌کند. طبق ماده ۱۶ کنوانسیون حقوق کودک «محدوده شخصی و خصوصی هیچ کودکی قابل تعرض نیست. این محدوده که شامل همه جوانب مربوط به امور خانوادگی، مسکونی، حیثیتی و مکاتبات شخصی است، نباید به طور عمد یا غیرقانونی آسیب ببیند». قابل بودن به حریم خصوصی کودک ظاهراً با تکلیف والدین به تربیت او تعارض دارد؛ زیرا تربیت کودک مستلزم کنترل و نظارت بر ارتباط با دیگران و اطلاعات در دسترس اوست که با توسعه فناوری‌های ارتباطاتی و اطلاعاتی، نمود بیشتری یافته است، اما والدین کودک و یا دولت به منظور نظارت و تربیت کودک در یکسری موارد ناچار به نقض این حریم خصوصی هستند. ماده ۱۰ منشور آفریقایی حقوق و رفاه کودک^۲ نیز تصریح می‌کند که

1. Convention on the Rights of the Child Adopted by General Assembly resolution 44/25 of 20 November 1989

2. The African Charter on the Rights and Welfare of the Child (ACRWC)

هیچ کودکی نباید مورد مداخله‌های خودسرانه و غیرقانونی در زندگی خصوصی و خانوادگی و خانه یا مکاتبات و شهرت و حیثیت خود قرار گیرد، در صورتی که والدین یا قیم قانونی حق اعمال نظارت مناسب بر رفتار فرزندان خود داشته باشند. کودک از حق حمایت قانون در برابر چنین مداخلات و حملاتی برخوردار است.

محدودیت‌هایی که طبق اصول حقوق بشر بر حریم خصوصی کودک مجاز و غیرخودسرانه تلقی می‌شود، به شرح زیر است:

الف) قانونی بودن دخالت: واژه «غیرقانونی» بدین معناست که هیچ مداخله‌ای نباید صورت گیرد مگر در مواقع پیش‌بینی شده توسط قانون. مداخلاتی که توسط دولت صورت می‌پذیرد، نیز تنها در صورتی ممکن است که بر پایه قانون باشد و با تمهیدات و اهداف میثاق همخوانی داشته باشد.

ب) خودسرانه نبودن دخالت: اصطلاح «خودسرانه»، دخالت‌هایی را دربرمی‌گیرد که اگرچه در قانون مجاز شمرده شده، اما مستبدانه محسوب می‌شود. این عبارت دولت‌ها را از امکان نقض حریم خصوصی کودک توسط قانون به‌طور غیرضروری و به‌گونه‌ای که با اهداف کنوانسیون همسو نباشد، منع می‌کند. در تبیین مفهوم «مداخله خودسرانه» دو ضابطه «معقول» و «منطقی» بودن مداخله تحت هر شرایطی مورد توجه مفسران این ماده قرار گرفته است.

ج) انطباق مداخله با «منافع عالی‌ه کودک»: مطابق بند یک ماده ۳ کنوانسیون حقوق کودک «در تمام اقدامات مربوط به کودک ... منافع کودک از اهم ملاحظات می‌باشد»؛ بنابراین در تعارض بین منافع عالی‌ه کودک و مصالح جامعه و دیگران از قبیل والدین، اولویت با منافع عالی‌ه کودک است. تشخیص منافع عالی‌ه کودک نیاز به تعیین معیارهایی دارد، اما این معیارها نباید غیرقابل انعطاف باشد؛ زیرا منافع عالی‌ه هر کودکی باید با عنایت به وضعیت و شخصیت او تفسیر شود (اسدی، ۱۳۸۸، صص. ۱۰-۱۱).

رعایت این اصول از سوی والدین می‌تواند موجب تقویت حس امنیت کودک در خانواده شود تا از زمینه آسیب‌های اجتماعی کاسته شود. درعین‌حال کودکان یاد می‌گیرند که خودشان نیز به حریم شخصی دیگران احترام بگذارند و فردیت آنها را

به رسمیت بشناسند. نکته اصلی این است که هر قدر ارتباط عاطفی و میزان صمیمیت میان والدین و کودک قوی‌تر باشد، به همان میزان، اطلاع والدین از کارهای کودکان بیشتر می‌شود.

با نگاهی به اسناد بین‌المللی می‌توان ضرورت دسترسی آزاد کودکان به منابع اینترنتی و نیز ضرورت گردش آزاد اطلاعات را برداشت کرد. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بر لزوم تضمین آزادی بیان که شامل انتقال و دریافت آزادانه اطلاعات از طریق هر رسانه‌ای می‌شود تأکید دارد، اما باید دقت داشت که این حق از جمله محدود حقوقی است که توسط این سند بین‌المللی مشمول محدودیت شده است که این محدودیت‌ها شامل احترام به حقوق و حیثیت دیگران و حفظ امنیت ملی و نظم و اخلاق عمومی شده است (ماده ۱۹).

تهدیدات حریم خصوصی به‌ویژه در ارتباطات برخط همه را تحت تأثیر قرار می‌دهد و کودکان در این میان بسیار آسیب‌پذیرند؛ زیرا ممکن است آگاهی کمتری نسبت به این موضوع داشته باشند که چه اطلاعاتی شخصی است و عواقب احتمالی انتشار این اطلاعات را نیز ندانند. به‌علاوه اطلاعات شخصی که در کودکی به صورت برخط منتشر می‌کنند، ممکن است در بزرگسالی آثار جدی روی زندگی آنها بگذارد؛ زیرا برخلاف اشتراک اطلاعات در فضای حقیقی که معمولاً در طول زمان فراموش می‌شوند، در اینترنت، چنین اطلاعاتی به‌صورت بالقوه همیشه و برای همه در دسترسند (حمیدی، ۱۳۹۴). به‌نظر می‌رسد حفاظت والدین از کودکان در فضای برخط را می‌توان مصداق دخالت‌های مجاز والدین در حریم خصوصی کودک به جهت حفظ منافع عالی کودک و اخلاق عمومی در جامعه توجیه کرد.

سؤال مهمی که در زمینه حریم خصوصی کودک مطرح می‌شود این است محدوده حریم خصوصی کودک در فضای برخط کجاست و یا اصولاً چه نوع اطلاعاتی شامل حریم خصوصی کودک در فضای برخط می‌شود؟

در آمریکا، قانون حفاظت از حریم خصوصی برخط^۱، مفهوم اطلاعات شخصی کودک را شامل نام کوچک، نام فامیلی، آدرس خانه، آدرس ایمیل، شماره تلفن، شماره امنیت اجتماعی، یا هر شناسه دیگر شخصی از کودک یا پدر و مادر خود را مانند آدرس IP یا شناسه مشتری در کوکی‌ها می‌داند و جمع‌آوری این اطلاعات توسط قانون ممنوع شده است. این قانون کودک را فرد زیر سیزده سال می‌داند.

امروزه والدین در شبکه‌های اجتماعی مانند فیسبوک و اینستاگرام عکس‌های مختلفی از فرزندان خود را منتشر می‌کنند که در برخی موارد نام کودک و تاریخ تولد نیز در آنها مشخص است. تیمی از پژوهشگران آمریکایی با استفاده از نرم‌افزارهای تعیین سن موجود در بازار و بررسی ۲۴۰۰ حساب کاربری عمومی در فیسبوک موفق به یافتن ۲۲۰۰ عکس از کودکان هفت‌ساله یا کمتر شده‌اند. سپس آنها با جستجو در این داده‌ها کشف کرده‌اند که یافتن نام کامل و تاریخ تولد یک کودک با استفاده از نرم‌افزار مورد استفاده فوق‌العاده ساده بوده است. از این مرحله با مقایسه نام خانوادگی با فهرست رأی‌دهندگان عمومی، پژوهشگران امکان یافتن تاریخ تولد والدین، آدرس و حتی وابستگی و گرایش‌های سیاسی-حزبی افراد را نیز داشته‌اند (Minkus, 2015, p.4)؛ بنابراین والدینی که اطلاعات فرزند خود را در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک می‌گذارند ناخواسته آنها و خانواده خود را با واسطه، در معرض خطر نقض حریم خصوصی و امنیت قرار می‌دهند.

نتیجه‌گیری

حریم خصوصی از مفاهیمی است که تعریف مشخصی برای آن وجود ندارد و با توجه به فرهنگ‌های مختلف می‌توان آن را به‌گونه‌ای متفاوت تعریف کرد. در واقع هر چیزی که درون خانواده و میان اعضای آن می‌گذرد جزو حریم خصوصی خانوادگی محسوب می‌شود. دولت‌ها هم با اعمال سیاست‌هایی همیشه سعی بر این داشته‌اند که به این حریم دست‌اندازی نکنند و نهاد خانواده را در جهت پیشبرد اهداف خود ترسیم کنند. مسائلی از قبیل حریم خصوصی جنسی زوجین و پیشگیری از بارداری و سقط جنین از جمله

1. Children's Online Privacy Protection Act 1998

عرصه‌هایی است که حریم خصوصی انسان به‌عنوان عضوی از خانواده به خطر می‌افتد و آسیبهای جدی ای را برای سلامت جامعه و خانواده به همراه دارد. با توجه به بررسی اسناد و رویه‌های بین‌المللی می‌توان دریافت که دولت‌ها نه‌تنها باید نقض این‌گونه اعمال را جرم‌انگاری کنند بلکه باید با قانون‌گذاری صحیح در جهت حمایت از این حق مهم بشری اقدامات لازم را انجام دهند. اینکه شهروندان حتی در زندگی خانوادگی خود هم زیر نظر و کنترل باشند، نه‌تنها از دیدگاه حقوق بشر ناپسند است بلکه موجب صدمه هر چه بیشتر هم به مردم و هم به حکومت می‌شود. تجربه نشان داده است که حکومت‌هایی که برای اعمال سیاست‌های خود حریم خصوصی شهروندان خود را مورد تعرض قرار نمی‌دهند، جامعه سالم‌تری را می‌سازند. تصمیم‌گیری در خصوصی‌ترین مسائل زندگی انسان‌ها، آنها را به موجوداتی بی‌هویت تبدیل می‌کند و آزادی آنها را به‌مخاطره می‌اندازد؛ برعکس رعایت این حق در درون خانواده موجب بقا و رشد و نشاط اعضای خانواده می‌شود. برخلاف آنچه فمینیسم‌ها به آن معتقدند دخالت دولت‌ها در حریم خصوصی خانواده همیشه مثبت نیست و آزادی و استقلال زنان را تهدید می‌کند. جرم‌انگاری خشونت‌های خانگی علیه زنان، می‌تواند تا حد زیادی تضمین‌کننده حقوق آنها در خانواده باشد و نگرانی فمینیست‌ها را در رابطه با حق حریم خصوصی برطرف کند. در این میان آنچه مکتب لیبرالیسم درباره حریم خصوصی تبیین کرده است با مبانی حقوق بشر سازگارتر به نظر می‌رسد.

منابع و مأخذ

- آلتن، اندرو (۱۳۸۵)، *درآمدی بر فلسفه حقوق؛ بهروز جندقی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)*.
- احمدی‌نژاد، مریم (۱۳۹۳)، «تحلیلی بر حق مادران بر سقط جنین به‌عنوان ناقض حق فرد بر شناسایی شخصیت حقوقی در حقوق بین‌الملل با رهیافتی اسلامی»، *دوفصلنامه مطالعات حقوق بشر*.

اسدی، لیلاسادات و میرزازاده، زهرا(۱۳۹۲)، «نسبت خانواده با دو حوزه عمومی و خصوصی با رویکردی بر کارکردهای خانواده و مفهوم حریم خصوصی»، *تعالی حقوق*، شماره ۵.

اسدی، لیلاسادات(۱۳۸۸)، «حریم خصوصی کودک و حق والدین بر تربیت»، *فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)*، شماره ۵۰.

الیت، کاترین و کوین، فرانسیس (۱۳۸۷)، *حقوق جزا: آوا واحدی نوایی و نسرين غضنفری، میزان*، شماره ۸۵.

انصاری، باقر(۱۳۹۳)، *حقوق حریم خصوصی*، تهران: سمت.

باقی، عبدالرضا (۱۳۹۰)، *تأملی در معنا و مبنای توسعه غربی و توسعه اسلامی - ایرانی. فصلنامه علمی تحقیقات سیاسی و بین المللی*، دوره ۳، شماره ۷، صص. ۱۲۵-۱۵۸.

بشیریه، حسین(۱۳۸۵)، «هانا آرنه و تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم»، *بخارا*، شماره ۵۸.

پورعبدالله، کبری و جیلزاده، سمانه(۱۳۹۳)، «حل تزامم حریم خصوصی زوجین با حقوق زوجیت بر اساس مصلحت تحکیم خانواده»، *مطالعات راهبردی زنان*، شماره ۶۶.

پولادی، کمال(۱۳۹۱)، *تاریخ اندیشه سیاسی در غرب قرن بیستم*، تهران: مرکز. جان قربان، رکسانا و دیگران(۱۳۹۳)، *مروری بر مفهوم و ساختار حقوق باروری و جنسی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر*، *زنان، مامایی و نازایی در ایران*، دوره ۱۷، شماره ۱۰.

حمیدی، حجت‌اله(۱۳۹۴)، «اخلاق و حفاظت از حریم خصوصی آنلاین کودکان با نظارت والدین»، *اخلاق و علوم فناوری*، شماره ۳.

رحمدل، منصور(۱۳۸۴)، «حق انسان بر حریم خصوصی»، *دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، شماره ۷۰.

رهدار، احمد(۱۳۹۱)، «تقدم حوزه خصوصی بر حوزه عمومی در لیبرالیسم، لیبرالیسم و عمومی شدن حوزه خصوصی»، *سوره اندیشه*، شماره ۶۲ و ۶۳.

- صناعی، محمود (۱۳۸۴)، *آزادی فرد و قدرت دولت*، تهران: هرمس.
- عباسی، اصلی (۱۳۸۹)، *قانون مجازات آلمان*، تهران: مجد.
- عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه و خسروی، لیلا (۱۳۸۸)، *مطالعه تطبیقی حقوق زنان از منظر اسلام و غرب*، تهران: ریاست جمهوری، مرکز امور زنان و خانواده.
- فرهانچی، افشین؛ رحیمی، زهره و مسلمی، معصومه (۱۳۹۱)، *سیاست‌های کنترل جمعیت و احترام به حریم خصوصی خانواده، ویژه‌نامه اخلاق پزشکی و سلامت باروری*، دوره ۵، شماره ۸.
- محمودی (۱۳۸۳)، *فلسفه سیاسی کانت*، تهران: نگاه معاصر.
- محمودیان، محمد رفیع (۱۳۸۰)، «لیبرالیسم آرمانگرا»، *بازتاب اندیشه*، شماره ۱۸.
- مهاجرین، رضا (۱۳۸۷)، «تولد اجباری یا مرگ اختیاری (بررسی تبعات جرم‌انگاری و جرم‌زدایی از سقط جنین)»، *دانشنامه حقوق و سیاست*، شماره ۱۰.
- میرخشتی، فرشته (۱۳۹۲)، «حریم خصوصی بین همسران عرصه تعاملات و تعارضات»، *جامعه‌پژوهی فرهنگی*، شماره ۴.
- میشل، آندره (۱۳۸۳)، *جنبش زنان، فمینیسم؛ هما زنجانی‌زاده*، مشهد: نیکا.
- نقیبی، سیدابوالقاسم (۱۳۸۹)، «حریم خصوصی در مناسبات و روابط اعضای خانواده»، *فصلنامه فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)*، شماره ۵۲.
- هیدن، پاتریک (۱۳۹۲)، *فلسفه حقوق بشر؛ محمدجواد جاوید*، تهران: مخاطب.
- Goodemote, Eric (2007), 'Evans v. United Kingdom', 43 E.H.R.R. 21 European Court of Human Rights Case Summary, *Cornell International Law Journal*, Volume 40
- Kilkelly, Ursula (2003), The right to respect for private and family life, *Human rights handbooks*, General of Human Rights Council of Europe.
- Mertus, Julie (1995), *Women's Rights, Human Rights: International Feminist Perspectives*, Routledge, Newyork, london
- Minkus, Tehila (2015), 'Children Seen But Not Heard: When Parents compromise Children's Online Privacy', Children Seen But Not Heard: When Parents Compromise Children's Online Privacy, *International World Wide Web Conference Committee (IW3C2)*.
- Newman, Daniel E (2008), 'EUROPEAN UNION AND UNITED STATES PERSONAL INFORMATION PRIVACY', AND HUMAN RIGHTS PHILOSOPHY - IS THERE A MATCH?, *EUROPEAN UNION AND U.S. PERSONAL INFORMATION PRIVACY*, 22.2.

- Raban, Ofer(2012), 'Capitalism, Liberalism, and the Right to Privacy', *TULANE LAW REVIEW*, Vol. 86:1.
- Roagna, Ivana(2012), *Protecting the right to respect for private and family life under the European Convention on Human Right*, Council of Europe human rights handbooks
- Wacks, Reymond, 2010, *Privacy a Very Short Introduction*, Oxford

اسناد و آرای دادگاهها

- African Charter on the Rights and Welfare of the Child (ACRWC)
- Amnesty international 11 march 2015 index number MDE 13/1111/2015
- Children's Online Privacy Protection« Act 1998.
- Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms 1950
- Convention on the Rights of the Child« Adopted by General Assembly resolution 44/25 of 20 November 1989
- Declaration on Social Progress and Development. New York: United Nations, 1969.
- ECHR, Boyle v. the United Kingdom, Comm. Rep., 9 Feb. 1993
- ECHR, Brüggeman and Scheuten v. Germany (dec.), 19 May 1976
- ECHR, X v. France, 5 Oct. 1982, DR31,
- ECHR Appl. No. 11418/85, Jolie & Lebrun v. Belgium, 14 May 1986,
- ECHR, Laskey, Jaggard & Brown v.the United Kingdom, judgment of 19 February 1997.
- ECHR Marckx v. Belgium, judgment of 13 June 1979
- ECHR Olsson v. Sweden, judgment of 24 March 1988
- ECHR, Tysiąc v. Poland, 20 March 2007,
- International Covenant on Civil and Political Rights
- IPPF charter guidelins on sexual and reproductive rights 2003
- Maputo protocol Article 14 health and reproductive rights« 2(c).
- Report of the Fourth World Conference on Women, Beijing: United Nations, 1995.
- Sexual Right: an IPPF declaration 2008
- Universal Declaration of Human Rights 1948
- Universal Islamic declaration of human right 19 September 1981

تارنماهای اینترنتی

- <http://ir-women.com/spip.php?article9552>
- <http://www.ohchr.org/EN/NewsEvents/Pages/DisplayNews.aspx?NewsID=15715&LangID=E>
- www.unic-ir.org/hr/declaration-tehran.htm
- <http://www.ejiltalk.org/category/human-rights/right-to-privacyfamily-life/>

الیت، کاترین و کویین، فرانسیس (۱۳۸۷)، حقوق جزا؛ آوا واحدی نوایی و نسرین
غضنفری، میزان، شماره ۸۵.